

مَجَلَّةُ اِرْمَعَانُ

تاسیس بهمن ماه ۱۳۹۸ شمسی

وحدت زبان و ادبیات بنیان اتحاد حقیقی است

اتحاد و یگانگی ما بین دو شخص یا دو ملت اگر یافت بشود
دو قسم خواهد بود .

اول اتحاد حقیقی و ذاتی . دوم اتحاد صوری و مجازی .

کاخ اتحاد حقیقی را معمار طبیعت در فضای جهان با سرمایه
سه وحدت از بنیان برافراشته . یعنی از وحدت کیش شالوده ریخته
و از وحدت اصل و نژاد دیوار نهاده و از وحدت زبان و ادبیات
سقفش را استوار داشته و بدون این وحدت های سه گانه که چار
عنصر اتحاد حقیقی محسوبند یا فقدان یکی از آنها هر گونه اتحاد و یگانگی
که مابین اشخاص یا ملل صورت بندد صوری و مجازی خواهد بود .
اتحاد ذاتی و یگانگی حقیقی - بحکم طبیعت همیشه ثابت و استوار
است و چندانکه بقسر قاسر و منع مانع دوچار گردد عاقبت بر
قاسر و مانع غلبه خواهد کرد .

بر عکس اتحاد صوری و مجازی که با وجود هزارها مستحفظ و نگهبان
همواره بطرف نا یابرداری شتابان است و عاقبت بنفاق مبدل و بجنک
منجر خواهد گردید .

برای اثبات یا توضیح مدعا بمثل میگوئیم : اتحاد ذاتی اعجاز پیغمبری را ماند که از فر حقیقت و واقعیت بر شعبده نفاق و نیرنگ مخالفت همواره غلبه مینماید اما اتحاد صوری و مجازی شعبده و سحری بیش نیست که مفتی دیپلمات تر دست یا یکدسته بلتیک زبان چشم بند برای پیشرفت اغراض خویش منعقد داشته و ناگزیر با تغییر غرض بنفاق و مرضش عوض خواهند کرد .

در قرون اخیر که ادوار اولیه بلتیک محسوبند هر گونه اتحاد و یگانگی که بین دول اروپا عرض اندام نموده از قسم دوم یعنی صوری و مجازی بشمار می آید .

زیرا در تمام این اتحادها و یگانگی ها تمام وحدت های سه گانه ولا اقل یکی از آنها مفقود است .

بهمین علت دولت متحد آلمان یعنی (ایطالی) در آغاز جنگ بین الملل با متحد خود از در جنگ و مخاصمت در آمد .

و بهمین سبب دولت روس در نیمه راه جنگ پس از تفسیر رژیم با متحدین خود انگلیس و فرانسه یگانگی را بشیرد تبدیل ساخت .

و بهمین جهت اتحاد های کنونی از قبیل اتحاد ایطالی با انگلیس یگانگی فرانسه با امریکا دیر یا زود حتما تفسیر شکل داده و تفاقهای کمونی هر یک آشکار و هویدا خواهد گشت .

کلی منحصر در فرد (اتحاد حقیقی) را در خارج یک مصداق است و آن یک مصداق هم اتحاد دولتین و ملتین ایران و افغان است و بس .

زیرا وحدت های سه گانه که شالوده و بنای کاخ حقیقی اتحاد محسوبند جز در میان این دو ملت در تمام عالم بطریق جمع وجود نداشته و نخواهد داشت .

اما وحدت کیش در این دو ملت از شدت وضوح محتاج بتوضیح و بیان نیست . اما وحدت اصل و نژاد (تاریخ عالم گواه است که ملتین افغان و ایران دو شاخه از یک درخت و دو درخت از یک بوستان و از باستان جهان تاکنون در تمام کشمکش های عالم بایکدی بگر همدوش و همداستان بوده اند . هر کس بر موز تاریخ آشنا است تصدیق میکند که زابلستان باستانی همان کابلستان کنونی است و هنوز نژاد رستم تاج بخش در این سرزمین از همان بهلوان بزرگ یادگار هستند . پس اگر روزی خون انتقام سیاوش در عروق و شراین فرزندان کیخسرو بجوش آید البته دودمان رستم با فرزندان گودرز و گیو در سایه پرچم درفش کابوایی شانه بر شانه و دوش بدوش بمیدان نبرد خواهند شتافت . اما وحدت زبان و ادبیات (جای هیچ گونه شبهه و تردید نیست که لغت پارسی ملت ایران و افغان را زبان مادری است و تاکنون حوادث روزگار نتوانسته است این میراث را بنصب از آنان بر باید .

بلکه در مقام حقیقت گوئی باید گفت که ملت افغان در قرون اخیره مخصوصاً گذشته نزدیک بیشتر از ایرانیان در حفظ زبان و ادبیات پارسی بذل جهد نموده . یعنی در دوره که ایران از خداوندان زبان پارسی و ادبیات بهلوی بکلی فراموش کرده و در

زمانیکه زبان ناسزا و شماتت بطرف سعدی ها و مولوی ها و خواجه ها دراز نموده و در روزگاری که کور کورانه در ادارات کشوری و لشکری بازدهای زبان دیگران عصا مانند تکیه داده ، و بالاخره در موقعی که فردوسی - نظامی - کمال الدین - انوری - خواجه صائب - کلیم و هزارها شاعر زنده کننده زبان پارسی را در قبرستان جهالت و فراموشی دفن کرده . ملت پارسی سرشت افغان بر خلاف رفتار نموده اند و چنانچه يك اديب دانشور افغان آقای (آزاد) میگوید : شعرای بزرگ و ادبای سترک که امروز در ستودان ایران مرده اند در معموره افغان بادیوان شعر و تمام مراتب و حیثیات خویش زنده و هم زنده ابدی خواهند بود .

« گواه عاشق صادق در آستین باشد » برهان روشن بر

این مدعا عاطفه توجه و ترویجی است که از ناحیه مقدسه اعلیحضرت سلطان امان الله خان غازی پادشاه بزرگ و میکادوی دولت افغان بطرف يك اديب دانشمند شیرین زبان ایرانی (آقای میرزا یحیی خان متخلص بریحان اصفهانی) مبذول گردیده « من از مفصل این نکته مجملی گفتم - تو صد حدیث مفصل بخوان از این مجمل »

باری مقدمات ما را نتیجه بدیهی این است : که اتحاد و یگانگی

دو ملت ایران و افغان حقیقی و ذاتی و تغییر ناپذیر بوده و هست و اگر منع مانع و قسر قاسر این حقیقت را برای مدت کم در پرده مستور داشت اینک که قاسر و مانع مقلوب طبیعت و حقیقت شده اند سه طایفه را وظیفه وجدانی است که برده پندار و مجاززا از رخسار

حقیقت برداشته یعنی اتفاق حقیقی و اتحاد ذاتی این دو ملت را قائم و بجهانبیان گوشزد نمایند ، آیا این سه طایفه کدامند و هر يك را وظیفه چیست ؟ ؟

طایفه اول - زمامداران سیاست داخلی و خارجی و هیئت دولت هستند و آنانرا وظیفه اینستکه روابط سیاسی و اقتصادی و هر گونه معاهده سودمند دوستانه را مابین دو ملت بر قرار دارند .

طایفه دوم - علما و روحانیون دو کشورند و بحکم خدا و آئین رسول وظیفه آنهاست که محض حفظ بیضه اسلام زاغ نفاق را از میانه رانده و توده هر دو ملت را بشمره طیبه وفاق امید وار و آگاه سازند .

طایفه سوم - ادبا و شعرا و معارف پژوهان هر دو کشورند و این طایفه محض بقای ملیت و حفظ دودمان موظفند که در احیاء زبان و ادبیات پارسی و رسانیدن نعمات موزون ادبیات بگوش یکدیگر و در تحقیق يك انجمن شعر و ادب برای هر دو ملت تشکیل نمودن از هیچ گونه جدیت و فداکاری مضایقه و کوتاهی نکنند آیا این سه طایفه تا کنون بوظیفه خویش عمل کرده اند یا نه ؟ ؟ جواب این سؤال منفی است . زیرا از طرف علما و روحانیون چنانچه شاید و باید تا کنون اقدامی نشده ،

و اگر از یکطرف اقدامی شده است هنوز آوازه اش بگوش ما نرسیده اما شعرا و ادبا و معارف پژوهان بواسطه نداشتن وسایل تا کنون نتوانسته اند نعمات موسیقی ارغنون ادبیات را بگوش یکدیگر

برسانند پس اینک که وسیله در دست داریم شایسته است که تمام جرائد و مجلات طرفین دست مبادله بطرف یکدیگر دراز کرده و توده هر دو ملترا بخریداری و استفاده از اخبارات یکدیگر دعوت فرمایند و هم شعرا و ادبای کنونی ایران راست که در مبادله اشعار با ادبای افغان جدیت نموده و مسامحه روا ندارند مجله ارمغان هم بر حسب وظیفه بمشتر کین وعده میدهد که از همین شماره در یک قسمت از صفحات خویش شرح حال شعرای نامی افغان را با اشعار شیرین جان بخش آنان نادرجه مقدور زیب صفحات ساخته برای دوروز دیک ارمغان بفرستد اما زمامداران سیاسی - دولت افغان بوظیفه خود رفتار کرده یعنی قریب شش ماه است که یکنفر دانشمند و آشنا باخلاق ایرانیان آقای « سردار عبدالعزیز خان » را بسمت سفارت بدر بار ایران کسبل داشته و از سرحد خراسان تا طهران اهالی هر شهر و قریه و قصبه مشتاقانه مراسم استقبال یک سفیر دولت اسلامی را چنانچه وظیفه اسلامیت است ادا کردند از طرف دولت ایران هم چنانچه توده ملت انتظار دارند البته تا کنون اقدامی در عقد روابط و اتحاد بعمل آمده اگر چه تا کنون متأسفانه مؤده آن بگوش انتظار ملت نرسیده است . باری چون اقدامات ادبا و روحانیون در ادای وظایف خویش منوط با اقدامات سیاسیون و زمامداران ملتین است ما و تمام افراد ملت انتظار داریم که مؤده عقد روابط بین دولتین و تعیین سفیر از طرف ایران برای دولت افغان بزودی بسمع هر دو ملت رسیده یعنی اتحاد حقیقی منحصر در فرد عالم تظاهر نموده و تا ابد پایدار بماند .